



## اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - 1 / فروردین / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقیة الله فى الأرضين.

ربنا عليك توكلنا و اليك انبنا و اليك المصير.

عید امسال دو تبریک دارد؛ هم تبریک عید نوروز است، هم تبریک ورود ماه ربیع المولود است؛ که ولادت نیر اعظم و نبی مکرم، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و اله و سلم) در آن وارد است. خود عید نوروز هم جزو اعیاد بابرکت برای ما ایرانی هاست.

مردم سال را با یاد خدا شروع می کنند و از خداوند متعال تحول به احسن الحال را مسئلت می کنند. امسال علاوه ی بر اینها، ذخیره ی معنوی توسلات و توجهات ماه محرم و صفر هم بر برکات این عید افزوده است. شما جمع حاضر در این صحن هم که مشرف به زیارت بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) هستید، برکات بیشتری دارید. برای من هم فرصتی است تا برخی از مسائلی را که در آغاز سال برای ما ان شاء الله مفید خواهد بود، مطرح کنم.

اول سال فرصت خوبی است برای تقویت عزم ملی، برای برکت بخشیدن به عمر خود در این سال. اگر همه ی آحاد ما مردم ایران از اول سال عزم خود را بر این متمرکز کنیم که با تلاش خود، با حرکت خود، سال پُرباری برای خود فراهم کنیم، خدای متعال هم یقیناً کمک خواهد کرد. البته جانمایه ی این عزم ملی و بزرگ، نیت پاک و تصمیم بر جلب رضای الهی است؛ تصمیم بر پیمودن صراط مستقیم؛ و آنگاه شناختن موقعیت خود و وضع خود، جایگاه خود در شرایط کنونی عالم و چالشهایی که پیش روی ملت قرار دارد، و شناختن خطوط اساسی برای مواجهه ی با چالشها. این، شرط موفقیت یک ملت زنده است؛ وضع خود را، جایگاه خود را، شرائط خود را درست بشناسد و برای این شرائط برنامه ریزی داشته باشد و عزم و تصمیم قاطع بر مواجهه ی با آنچه که در این راه برای انسان به طور طبیعی پیش بیاید. من از این فرصت استفاده می کنم؛ در این ساعتی که در خدمت شما هستم، در این باره ها قدری صحبت می کنم.

آنچه که اساس مطلب برای ما ایرانی هاست - که همیشه باید این را در مد نظر داشته باشیم - این است که ملت ما و مجموعه ی ما مردم ایران هدف بزرگی برای خودمان ترسیم کردیم و در طول دهه های پس از انقلاب، این هدف را دنبال کردیم. هرچه نگاه می کنیم، احساس می کنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف، توانایی های لازم را داریم. این هدف بزرگ عبارت است از سربلندی ایران اسلامی، الگوشدن در میان ملتهای مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی. معنای این حرف این است که ملت ما، هم از لحاظ مادی و هم از جنبه های معنوی ارتقاء پیدا کند؛ استقلال ملی داشته باشد؛ عزت ملی داشته باشد؛ توان و ظرفیت ملی داشته باشد؛ بتواند از همه ی ظرفیتهای خود استفاده کند؛ از رفاه عمومی برخوردار باشد و عدالت عمومی و اجتماعی بر زندگی او حاکم باشد. این ملت در آن



صورت می شود الگو برای همه ی جوامع مسلمان و حتی غیر مسلمان. ملت ایران می خواهد ملتی باشد آزاد، مرفه، باایمان، و کشوری داشته باشد آباد و پیشرفته ؛ این هدف ملت ایران است.

در این هدف، اختلافی هم وجود ندارد ؛ دعواهای جناحی و اختلافات سیاسی در اینجا همه برطرف می شود ؛ این هدف مورد قبول همه ی آحاد ملت ایران است. کشوری آباد داشته باشیم، ملتی آزاد و سربلند داشته باشیم، از ظرفیتهای ملی خودمان بخوبی استفاده کنیم، بتوانیم پیشرو باشیم، پرچم عدالت اجتماعی را در دست داشته باشیم، پرچم ایمان اسلامی را در پیشاپیش همه ی ملتهای مسلمان به دوش بگیریم ؛ این چیزی است که همه ی ملت ایران طالب و عاشق آن هستند. و می توانیم به این هدف دست پیدا کنیم ؛ هم شناخت ظرفیتهای ملی به ما این امید را می دهد، هم تجربه ها این را تأیید می کند.

ملت ایران يك ملت بااستعداد است، بااستقامت است، برخوردار از غیرت دینی و غیرت ملی است، به اسلام عمیقاً ایمان دارد، به میهن خود عشق می ورزد ؛ اینها چیزهایی است که به ما این امیدواری و این اعتماد را می بخشد که ملت ما قادر است به این هدف دست پیدا کند و برسد ؛ دور از دسترس نیست. تجربه هم همین را به ما نشان می دهد.

ببینید ؛ ما بر اثر سلطه ی حکومتهای فاسد و وابسته، در طول سالهای متمادی از میدان رقابتهای جهانی بیرون مانده بودیم. ملت ایران که يك روز پیشاهنگ دانش و فرهنگ بود، بر اثر سلطه ی پادشاهان جبار و قدرتهای منقطع از مردم وضعش به جایی رسید که از حدود دویست سال قبل به این طرف که مسابقه ی علمی و سیاسی در دنیا آغاز شد، بیرون از میدان مسابقه قرار گرفت. وقتی ملتی در مسابقه ی ملتها وارد نیست، به طور طبیعی توانایی های او تحلیل می رود و موفقیتهای او ناچیز می شود. شما يك تیم ورزشی را در نظر بگیرید، که قدرت دارد، نشاط دارد، میل به کار دارد، او را نمی گذارند وارد میدان رقابتهای ورزشی بشود ؛ به طور طبیعی توانایی های او کم می شود و تحلیل می رود. با ملت ما این کار را کردند.

درعین حال که سالهای متمادی قدرتهای وابسته، قدرتهای فاسد، قدرتهای بی کفایت و پادشاهان ظالم چنین وضعی را برای ملت ما به وجود آوردند، بمجرد اینکه به وسیله ی انقلاب اسلامی دروازه ی ورود به این جاده برای ملت ما باز شد و ملت ما وارد میدان رقابتهای جهانی و مسابقات جهانی شد، پیشرفتهای بزرگی به دست آورد. ملت ما، هم در زمینه های علمی، هم در زمینه های سیاسی، امروز در جهان يك ملت دارای نشان و شناخته شده است ؛ يك چهره است در میان ملتها. در زمینه های علمی، ما به نسبت این زمان پیشرفته هستیم. البته عقب ماندگی های دویست ساله را در ظرف بیست سال و سی سال نمی شود جبران کرد ؛ اما در این بیست و چند سال، ما با سرعت بسیار بیشتری نسبت به همین مدت زمانی جلو رفته ایم. امروز شما نگاه کنید ؛ جوانان ما در زمینه ی انرژی هسته ای، در زمینه ی سلولهای بنیادی، در زمینه ی ضایعات نخاعی و در ده ها زمینه ی دیگر - که اگر ملت ما از آنها بروشنی آگاه بشوند، شادمان خواهند شد - پیشرفت داشته اند. برجستگان علمی کشور ما امروز توانسته اند در دنیا بدرخشند و تحسین جهانیان را جلب کنند.

در میدان رقابتهای سیاسی هم همین طور. امروز دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه های سیاسی - چه در سطح منطقه، چه در سطح بین المللی - سخن او جزو سخنهای پُرطرفدار است ؛ سخن او يك سخن شنیدنی است.



مسئولین کشور ما، هم در مجامع جهانی، هم در مسافرتها‌ی که به کشورهای دیگر می‌کنند، هم در موضعگیری‌هایی که می‌کنند، برجسته و شاخصند. این چنین وضعی برای ملت ما نشان دهنده‌ی استعداد این ملت در پیشروی و در ورود به این میدانهاست.

ملت ما توانسته است در فرهنگ سیاست بین‌المللی مفاهیم جدیدی را وارد کند. دنیا مردم‌سالاری دینی را نمی‌شناخت؛ امروز مردم‌سالاری دینی یک عنوان و شعار مطلوب در میان همه‌ی ملت‌های اسلامی است. دنیا تعریف نظام سلطه را نمی‌شناخت؛ این را ملت ما تعریف کرد و در فرهنگ سیاست بین‌المللی وارد شد. مسئله‌ی دین محوری سیاست، قانون، مدیریت کشور؛ اینها همه مفاهیم جدیدی است که ملت ما توانسته است اینها را وارد کند. پس ما در مسابقات جهانی - مسابقه‌ی علمی، مسابقه‌ی سیاسی، مسابقه‌ی صنعتی، مسابقه‌ی اقتصادی و مسابقه‌ی فرهنگی - می‌توانیم وارد شویم و در کوتاه مدت امید به موفقیت داشته باشیم، و در بلندمدت امید به سرآمد شدن داشته باشیم. این، وضع ملت ماست.

و اما این راهی که ملت ایران می‌خواهد برود، یک راه اسفالته‌ی بی‌مانع نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره‌نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است. دشمن درونی خطرناک‌تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلت‌های بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی‌های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - اینها بیماری است. اگر این دشمن‌های درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می‌شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده‌اند این میکروبها را در درون جامعه‌ی ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی‌توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»، «افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی‌اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سال‌های قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلا‌ی عمده‌ی ملت ما اینها بود. اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد، این ملت پیشرفت‌ش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردم‌ش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛ اینها مثل موریانه‌ای که در درون پایه‌ی بنا بیفتد، بنا را ویران می‌کند؛ مثل کرمی است که داخل میوه قرار بگیرد، میوه را فاسد می‌کند. باید با این صفات مبارزه کرد. ملت ما باید امیدوار، دارای اعتماد به نفس، خوشبین به آینده، علاقه‌مند به پیشرفت، و معتقد و مؤمن به معنویاتی باشد که او را در این راه کمک می‌کند. بحمدالله امروز ملت ما چنین اعتماد به نفس و چنین امیدی دارد؛ باید اینها را تکمیل کرد. اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه‌ی خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی‌تواند به ما صدمه و لطمه‌ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه‌ی بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می‌خواهد مستقل و



عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه‌ی صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده‌ی آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می‌کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته اند، فشار وارد آورده اند، اما عبث؛ فشارهای آنها نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادی شان، نه تهدید نظامی شان، نه فشار سیاسی شان، نه جنگ روانی شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی تر هستیم؛ این نشان دهنده‌ی این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

امروز در دنیا تناقضی وجود دارد. ملت ایران از نظر ملت‌های مسلمان و ملت‌های منطقه - ملت‌های آسیا، ملت‌های آفریقا، ملت‌های امریکای لاتین، ملت‌های منطقه‌ی خاورمیانه - یک ملت شجاع، مدافع حق و عدالت، و ایستاده‌ی در مقابل زورگویی هاست؛ ملت ایران را این طور شناخته اند. آنها ملت ایران را تحسین و ستایش می‌کنند. اما همین ملت ایران و همین نظام جمهوری اسلامی که اینقدر مورد ستایش ملت‌هاست، از نظر قدرتهای زورگو، متهم به نقض حقوق بشر است، متهم به سلب امنیت جهانی است، متهم به حمایت از تروریسم است! این تناقض است؛ تناقض بین نگاه ملت‌ها و خواسته‌ی قدرتها. این تناقض، تهدیدکننده‌ی نظام سلطه‌ی جهانی است. روزه روز اینها دارند از ملت‌ها دور می‌شوند؛ این یک رخنه‌ی فرسایشی را در بنای لیبرال دموکراسی غرب به وجود آورده است و روزه روز این رخنه بیشتر خواهد شد. بالاخره تبلیغات استکبار تا مدتی می‌تواند حقایق را پنهان کند؛ همیشه که نمی‌تواند حقایق را پنهان کند؛ ملت‌ها روزه روز بیدارتر می‌شوند. شما نگاه کنید؛ رئیس جمهور ملت ایران به کشورهای آسیا، به کشورهای آفریقا، به کشورهای امریکای جنوبی مسافرت می‌کند، ملت‌ها برای او شعار می‌دهند، به نفع او تظاهرات می‌کنند، اظهار حمایت می‌کنند؛ رئیس جمهور امریکا هم به کشورهای امریکای جنوبی - یعنی حیاط خلوت امریکا - مسافرت می‌کند، ملت‌ها پرچم امریکا را به مناسبت آمدن او آتش می‌زنند؛ این معنایش تزلزل پایه‌های لیبرال دموکراسی‌ای است که امروز غرب و جلوتر از همه امریکا، مدعی پرچمداری آن هستند. تناقض در خواست آنها و تمایلات مردم و مشاهدات مردم روزه روز بیشتر می‌شود. دم از دموکراسی می‌زنند، دم از حقوق بشر می‌زنند، دم از امنیت جهانی می‌زنند، دم از مبارزه‌ی با تروریسم می‌زنند، اما باطن شریر آنها حکایت از جنگ طلبی آنها می‌کند؛ حکایت از پایمال کردن حقوق ملت‌ها می‌کند؛ حکایت از میل وافر و اشتهای سیری ناپذیر آنها بر منابع انرژی جهانی می‌کند؛ این را ملت‌ها می‌بینند. روزه روز آبروی لیبرال دموکراسی و آبروی امریکا - که پیشقراول لیبرال دموکراسی است - در دنیا در نظر ملت‌ها دارد کم و کمتر می‌شود. در مقابل، آبروی ایران اسلامی دارد بیشتر می‌شود. ملت‌ها می‌فهمند که امریکایی‌ها در ادعای دفاع از حقوق بشر دروغ می‌گویند؛ یک نمونه‌ی آن، رفتار آنها با کشور خود ماست. ایران در زمان طاغوت - زمان رژیم پهلوی - یکسره در مشت امریکایی‌ها بود؛ امریکایی‌ها بر سراسر ایران مسلط بودند؛ پایگاه نظامی در ایران به وجود می‌آوردند، برای تسلط بر تحرك کشورهای عرب منطقه؛ می‌خواستند اینها را از پایگاه ایران زیر نظر داشته باشند. ایران همپیمان اسرائیل بود؛ بدترین دیکتاتوری‌ها بر این کشور حاکم بود؛ مبارزان را در زندان شکنجه می‌کردند؛ در سرتاسر کشور - در همین شهر مشهد، در تهران و در همه‌ی شهرهای کشور - اختناق و شدت عمل مأموران جلاد رژیم طاغوت بر مردم مسلط بود؛ نفت ما را تاراج می‌کردند؛ اموال عمومی و ثروتهای ملی را به نفع حکام و به نفع بیگانگان به تاراج می‌دادند؛ ملت ایران را از حضور در مسابقه‌ی علمی و صنعتی دنیا مانع می‌شدند؛ ملت را تحقیر می‌کردند. آن ایران، متحد درجه‌ی یک امریکا در این منطقه بود؛ زمامدارانش هم محبوب امریکا بودند؛ هیچ اعتراضی هم به نقض حقوق بشر و نقض دموکراسی بر آن حکومت طاغوتی وارد نبود. امروز ایران یک کشور آزاد است؛ با این مردم سالاری واضح - که مردم سالاری ما در دنیا بسیار



کم نظیر است - با این ارتباط مستحکم بین مردم و مسئولان کشور؛ این ایران از نظر امریکایی ها، از نظر دولت امریکا و سیاستمداران امریکا يك کشور نامطلوب به حساب می آید؛ این نشان دهنده ی جهتگیری استکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عالم است. البته امریکایی ها از این دشمنی سودی نبرده اند و باز هم نخواهند برد. ملت ایران روزبه روز قوی تر می شود و ارزشهای انقلاب روزبه روز برجسته تر و تازه تر می شود.

ما در مقابل این دو دشمن وظائفی داریم. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشه ی او را دانست. امروز دشمنان بیرونی ما هم برای ملت ایران نقشه دارند. ما سیاستهای پنج ساله ی خودمان را تعریف می کنیم؛ افق چشم انداز بیست ساله را تعریف می کنیم؛ برای اینکه راه خودمان را مشخص کنیم. دشمن ما هم همین طور؛ او هم برای ما برنامه دارد؛ او هم سیاستی دارد. باید سیاست او را بشناسیم.

من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم: اول، جنگ روانی؛ دوم، جنگ اقتصادی؛ و سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی. دشمنی های استکبار با ملت ما در این سه قلم عمده خلاصه می شود. البته اینها را باید دستگاه های تبلیغاتی و رسانه ها و شخصیت های سیاسی بیشتر برای مردم توضیح بدهند. من اجمالاً سرفصل و خلاصه ای از مطالب را به شما عرض می کنم.

جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی، مرعوب کردن است. کی را می خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی شود؛ توده ی عظیم مردم که مرعوب نمی شوند. چه کسی را می خواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیتهای سیاسی را، به قول معروف خود ما نخبگان را؛ اینها را می خواهند مرعوب کنند. کسانی که قابل تطمیعند، آنها را می خواهند تطمیع کنند؛ اراده ی عمومی را می خواهند تضعیف کنند؛ درک مردم از واقعیتهای جامعه ی خودشان را می خواهند تغییر دهند؛ هدف جنگ روانی این است. يك نفر که بیمار نیست، صد بار به او بگویند آقا! شما کسالت دارید، شما مریضید، يك مقدار احساس بیماری می کند. بعکس، اگر کسی دچار بیماری هم باشد، صد بار به او بگویند شما حالتان خوب است، احساس صحت می کند. با تلقین می خواهند واقعیتهای کشور ما را در نظر ملت ما دگرگون کنند. ملت ما ملتی است با استعداد، دارای قابلیت، دارای ظرفیت، دارای ثروتهای عظیم طبیعی؛ چنین ملتی می تواند پیشرو باشد. دلیلی ندارد که این ملت، ناامید باشد؛ اما آنها می خواهند واقعیتها را تغییر دهند و ملت را ناامید کنند؛ می خواهند اعتماد ملت را به مسئولان ضعیف کنند. اینکه مردم به دولت و مسئولان اعتماد داشته باشند، برای يك کشور خیلی نعمت بزرگی است؛ می خواهند این نعمت را بگیرند و مردم را بی اعتماد کنند، هم به خودشان، هم به مسئولینشان؛ مردم را با شایعه، به تحریم و خشونت تهدید کنند؛ در تبلیغات، جای مدعی و متهم را عوض کنند. امروز امریکا متهم است و ملتها مدعی امریکایند. ما امروز مدعی امریکا هستیم. امریکا متهم است به دست اندازی به استکبار، به مستعمره پروری، به جنگ طلبی، به اشغال نظامی، به فتنه انگیزی. ما طلبگاریم، ما مدعی هستیم. آنها می خواهند خودشان را در جایگاه مدعی بگذارند و ملت ایران را در جایگاه متهم قرار دهند. در خود امریکا وضع حقوق بشر اسفبار است و ناامنی وجود دارد. در يك سال - سال 2003 - سیزده میلیون بازداشت شهروندان امریکایی را خودشان گزارش کردند! مجوز شکنجه می دهند، مجوز شنود تلفن می دهند. بعد از حادثه ی بیست شهریور چند سال قبل، اینها چند میلیون نفر را بازجویی کردند. يك چنین فضای ناامن در داخل امریکا؛ در خارج هم که زندانهای ابوغریب و شکنجه ها و زندان گوانتانامو و زندانهای مخفی ای که در اروپا و در نقاط دیگر دارند. آنها باید جواب بدهند. آنها متهمند، آنها نقض حقوق بشر می کنند؛ آن وقت می شوند مدعی حقوق بشر، و ملت ایران را یا هر جا را که میلشان بکشد، می خواهند به محاسبه بکشند که شما نقض حقوق بشر کرده اید!





تروریسم را آنها دارند ترویج می کنند. این کارها جنگ روانی است که آنها دارند انجام می دهند.

يك بخش از جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، اختلافات مذهبی - شیعه و سنی - اختلافات جناحی، اختلافات صنفی و رقابتهای صنفی را ترویج و تبلیغ می کنند. در داخل، مزدوران و ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در اینجا به شکلهای گوناگون عمل می کنند. اینها شیعه پراکنی می کنند. در مسئله ی عراق، ایران را متهم می کنند. کسانی که آمده اند عراق را اشغال کرده اند، ملت عراق را تحقیر کرده اند، زنان، مردان و جوانان عراقی را به انواع مختلف مورد اهانت قرار داده اند، همین حالا هم نظامی امریکایی و انگلیسی در عراق با کمال بدرفتاری دارد عمل می کند، اینها ایران را متهم می کنند که در امور عراق دخالت می کند. آن روزی که دولت امریکا و خیلی از دولتهای غربی از صدام بعثی معدوم حمایت می کردند، ملت ایران آغوشش را بر روی آزادگان عراقی باز کرد؛ آزادمردان عراقی به اینجا آمدند و ما آنها را از شر صدام حفظ کردیم؛ امروز همانها در عراق به قدرت و حکومت رسیده اند. تروریسم در عراق با تحریک سرویس های جاسوسی امریکا و انگلیس و اسرائیل است. این برادرکشی ها در عراق ناشی از جنگ شیعه و سنی نیست؛ شیعه و سنی قرنها در عراق با هم زندگی کرده اند و جنگی هم نداشته اند. خانواده های عراقی بسیاری هستند که بعضی شان شیعه اند، بعضی شان سنی؛ با هم ازدواج کرده اند، با هم زندگی می کردند. این ترورها را آنها به وجود آورده اند؛ آنها هستند که از ناامنی ها سود می برند.

در مورد نفوذ شیعه و ترویج تشیع از سوی ایران و هلال شیعی و از این حرفها، شیعه پراکنی می کنند. یکی از شعبه های جنگ روانی اینها این است: اولاً بین ملت ایران اختلاف بیندازند، ثانیاً بین ملت ایران و ملتهای دیگر مسلمان اختلاف بیندازند. سیاست امریکا این بوده است که همسایه های ما را در خلیج فارس از نظام جمهوری اسلامی بترساند. البته بعضی از آنها آگاهانه و هوشیارانه توطئه را فهمیده اند، بعضی هم ممکن است اشتباه کنند و در دام این توطئه ی امریکایی بیفتند. ما به سوی همسایه های خلیج فارس - که منطقه ی عمده ی نفتی دنیا متعلق به این مجموعه است - همیشه دست دوستی دراز کرده ایم؛ الان هم با آنها دوستیم و دست دوستی دراز می کنیم و اعتقاد ما این است که کشورهای حوزه ی خلیج فارس باید پیمان دفاعی مشترك داشته باشند و باید با هم همکاری کنند. برای دفاع از این منطقه ی مهم نباید امریکا و انگلیس و بیگانگان و دیگران و طمع ورزان بیابند؛ خود ما باید امنیت این منطقه را حفظ کنیم؛ و این با همکاری کشورهای خلیج فارس ممکن است.

من به همین مناسبت به عناصر سیاسی داخلی هم دوستانه نصیحت می کنم؛ مراقب باشند، طوری حرف نزنند، طوری موضعگیری نکنند که به مقاصد دشمن در این جنگ روانی کمک شود؛ به دشمن کمک نکنند. امروز هر کس که مردم را ناامید کند و به خود، به مسئولین و به آینده بی اعتماد کند، به دشمن کمک کرده. امروز هر کس که به اختلافات دامن بزند - هر نوع اختلافاتی - به دشمن ملت ایران کمک کرده. کسانی که قلم دارند، بیان دارند، تریبون دارند، جایگاهی دارند، باید مراقب باشند؛ نباید بگذارند دشمن از آنها استفاده کند. جنگ روانی دشمن، مهمترین بخش مبارزه ی دشمن با ملت ایران است.

جنگ اقتصادی هم یکی دیگر است. می خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند. من عرض می کنم میدان برای تحرك اقتصادی ملت ایران باز است. با سیاستهای اصل 44 که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشد و باید هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم. سال 86 و شاید تا یکی دو سال بعد رویکرد دولت و رویکرد فعالان کشور باید



رویکرد اقتصادی باشد. ما می توانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم. تهدید می کنند که تحریم می کنیم. تحریم نمی تواند به ما ضربه ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده اند؟ ما در حال تحریم به انرژی هسته ای رسیده ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی های وسیع در کشور رسیده ایم. تحریم در شرائطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند. رویکرد کشور در سالی که امروز اول آن است، و حتی یکی دو سال بعد، باید رویکرد اقتصادی باشد. از سیاستهای اصل 44 همه باید استفاده کنند. کسانی که توانایی سرمایه گذاری دارند، حتی افرادی که می توانند سرمایه گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، اینها راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم می توانند سرمایه گذاری کنند؛ می توانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهام باشند. علاوه بر سهام عدالتی که تقریباً ده میلیون نفر را شامل می شود - که مال دو دهک پائین جامعه است - بقیه ی آحاد مردم هم می توانند از این سیاستها استفاده کنند؛ راه دارد. مسئولین دولتی باید راه های مشارکت مردم را در فعالیتهای اقتصادی به آنها بگویند. این سیاستها به معنای تولید ثروت عمومی برای جامعه است. تولید ثروت از نظر اسلامی بی مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک وقت کسی به اموال عمومی دست درازی می کند، یک وقت کسی بی قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می رسد؛ اینها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می آورید، باز همان را وسیله ای برای تولید ثروت دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید - که در اسلام اسامش کنز کردن است - نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می برند. روح اصل 44 و سیاستهای اصل 44 این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.

در مورد مقابله ی با پیشرفت علمی هم یک نمونه ی مهمش همین مسئله ی انرژی هسته ای است. در گفته ها، در گفتگوهای سیاسی و غیره می گویند دولتهای غربی با دارا بودن قدرت هسته ای در ایران موافق نیستند؛ خوب نباشند. مگر ما برای به دست آوردن قدرت هسته ای از کسی اجازه خواستیم؟ مگر ملت ایران با اجازه ی دیگران وارد این میدان شده است که بگویند ما موافق نیستیم؟ خوب موافق نباشید. ملت ایران موافق است و مایل است این انرژی را داشته باشد. من سال گذشته هم در اجتماع روز اول فروردین در اینجا گفتم که انرژی هسته ای برای کشور ما یک ضرورت است، یک نیاز بلندمدت است. امروز اگر مسئولین کشور در به دست آوردن انرژی هسته ای کوتاهی کنند، نسلهای بعد آنها را مؤاخذه خواهند کرد. ملت ایران و کشور ایران به انرژی هسته ای و این توانایی برای زندگی - نه برای سلاح - احتیاج دارد. عده ای می نشینند همان حرف دشمن را تکرار می کنند که: آقا! چه لزومی دارد؟ چه لزومی دارد؟ آینده ی کشور را به خطر انداختن، نیاز فردهای کشور را بکلی ندیده گرفتن، این اشکالی ندارد؟ آیا مسئولین کشور حق دارند به نسلهای آینده خیانت کنند؟ امروز نفت را برداریم مصرف کنیم؛ یک روزی این نفت تمام خواهد شد. آن روز ملت ایران برای برق خود، برای کارخانه ی خود، برای گرمای خود، برای روشنایی خود، برای حرکت زندگی خود، دست نیاز دراز کند به سوی کشورهای دیگر تا به او انرژی بدهند؟ این برای مسئولین امروز کشور جایز است؟ عده ای حرف دشمن را تکرار می کنند. همانهایی که ملی شدن نفت را که به وسیله ی دکتور مصدق و مرحوم آیه الله کاشانی انجام گرفت، امروز تمجید می کنند - که آن کار، نسبت به این کار کوچک بود؛ این از او بزرگتر است - همانها امروز نسبت به انرژی هسته ای همان حرفی را می زنند که مخالفین مصدق و کاشانی آن روز می گفتند.



اینها قابل قبول نیست. ما در این راه پیش رفتیم، با ابتکار خودمان پیش رفتیم. مسئولین کشور ما هیچ بی قانونی هم نکردند. همه ی فعالیتهای ما در مقابل چشم آژانس هسته ای است، ایرادی هم ندارد؛ ما حرفی نداریم که زیر نظر آنها باشد. جنجال کردن و فشار وارد آوردن روی ملت ایران برای این مسئله، استفاده ی ابزاری کردن از شورای امنیت سازمان ملل، برای قدرتهای مقابل ملت ایران زیان به بار خواهد آورد. این را من بگویم؛ اگر قرار باشد بخواهند از شورای امنیت استفاده ی ابزاری کنند، و بخواهند این حق مسلم را از این راه ندیده بگیرند، ما تا امروز آنچه را که انجام دادیم، برطبق قوانین بین المللی انجام دادیم؛ اگر آنها بخواهند بی قانونی کنند، ما هم می توانیم بی قانونی کنیم و خواهیم کرد. اگر بخواهند با تهدید و اعمال زور و خشونت رفتار کنند، بدون تردید بدانند ملت ایران و مسئولین ایران در مقابل دشمنانی که به آنها تعرض کنند، از همه ی ظرفیت خود برای ضربه زدن استفاده خواهند کرد.

من عرایض را می خواهم تمام کنم. این توصیه های خادم ملت ایران است به ملت ایران. توصیه ی من این است: این شعاری که ما امسال مطرح کردیم - یعنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی - این را رعایت کنید. اتحاد ملی، یعنی یکپارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملتهای مسلمان با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه ی خود را با ملتهای اسلامی محکمتر کند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروعی بکنیم که مورد اختلاف است.

توصیه ی بعد این است که ملت عزیز ما، مخصوصاً جوانان ما، اعتماد به نفس خودشان را از دست ندهند. جوانان عزیز! جوانان عزیز ملت ایران! شما می توانید؛ می توانید کارهای بزرگ بکنید، می توانید کشور خود را به اوج اعتلاء و عزت برسانید. اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولین کشور، اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان می خواهند نباشد. دشمنان می خواهند مردم به دولت - که مسئولیت اداره ی امور کشور را دارد - بی اعتماد باشند؛ سعی کنید این نقشه ی دشمن را خنثی کنید. من از دولت حمایت می کنم. از همه ی دولتهای بر سر کار و منتخب مردم حمایت کردم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ از این دولت هم به طور خاص حمایت می کنم. این حمایت، بی دلیل و بی حساب و کتاب نیست. اولاً جایگاه دولت در نظام جمهوری اسلامی و در نظام سیاسی کشور ما جایگاه بسیار مهمی است، ثانیاً بیشترین مسئولیتها را دولت بر دوش دارد؛ بعد هم این جهتگیری های دینی و این ارزش گرای انقلابی و اسلامی خیلی ارزش دارد. سختکوشی، تلاش فراوان، ارتباط با مردم، سفرهای استانی، جهتگیری عدالت و زی مردمی؛ اینها خیلی قیمت دارد و من قدر این کارها را می دانم. من به خاطر این چیزها از دولت حمایت می کنم. البته این حمایت، حمایت بی حساب و کتاب نیست؛ توقعاتی هم در مقابلش از دولت دارم. اولین توقع من این است که به مسئولین دولتی می گویم خسته نشوند؛ اعتماد به خدا را از دست ندهند؛ به خدا اعتماد کنند و به این مردم اعتماد کنند؛ زی مردمی خودشان را حفظ کنند؛ در دام تجمل گرایی هایی که افرادی می افتند، نیفتند؛ مراقب و مواظب باشند؛ در مخاصمات جناحی وارد نشوند؛ وقتشان را با دعوای سیاسی تلف نکنند؛ با همه ی وجود و با همه ی توان برای این مردم کار کنند؛ آنچه را که با مردم در میان می گذارند، به تحقق برسانند و دنبال کنند.

ما باید چشمهای خودمان را باز کنیم. ما باید به خدا متوسل باشیم، متذکر باشیم. ملت ایران ملت بزرگی است، ملت توانایی است، هدفهای بزرگی دارد، راهی هم به سوی این هدفها دارد که می تواند طی کند. من امیدوارم خدای متعال تفضلات خود را بر شما ملت ایران به طور مستمر ببارد؛ باران لطف خود را بر سر شما ببارد و ان شاءالله امروز





دفتر مقام معظم رهبری  
www.leader.ir

---

که روز اول سال 86 است، سرآغاز يك سال پُربركت برای مردم باشد.

والسّلام عليكم و رحمة الله و بركاته